

مردم

ار دلال مرگزی حزب توده ایران

رضا فلاح، خدمتگزار شرکت غاصب سابق انگلیسی نفت و کنسرسیوم بین المللی، اخیراً به صدور احکامی علیه جنبش ملی شدن نفت ایران پرداخته است. وی در نطقی که روز ۲۳ آبان در کلوب مرواریدی، مرکز ایراد نمود، رأی ۱۲ ژوئیه ۱۹۵۲ دیوان بین المللی لاهه را مبنی بر عدم صلاحیت برای رسیدگی به شکایات انگلستان از ایران در موضوع شرکت سابق نفت «بزرگترین شکست تاریخی ایران» خواند! او هم چنین ادعا کرد، که گویا

کار با استبداد وارد گستره تازه ای میشود

(نظری به وضع کنونی کشور)

جریان نشان میدهد که رژیم استبدادی درنده خوی شاه، علیرغم آنهمه تبه کاریهای شوم دستگاه شکنجه و اعدام خود، بوسیله سلواک و «داد گلهای» در بسته نظامی، نتوانست جلعه ایران را مرعوب ویا بکک عوامفریبی های موسوم به «اصول انقلاب» آنها را مجذوب نماید.

پس سکوت یکبار دیگر و این بار با ترکش سهمناکتری برای استبداد شکسته و شاه دد منش که آوی خلق برایش سخت روح آزار است، حتی در جریان مذاکرات خیانت آمیز کاخ سفید، مجبور بود بانگ نفرت عده ای از ایرانیان را از رژیم خویش بشنود.

دامنه مبارزات مردم ایران در داخل و خارج کشور و بویژه در درون کشور طی ماههای اخیر مایه شادمانی و افتخار هر ایرانی میهن پرستی است. زیرا این مبارزات در یکی از سخت ترین شرایط و علیه یکی از فرومایه ترین و فزونی ترین و بی پروا ترین رژیم های فاشیست ماب جهان معاصر انجام میگردد و لازمه آن احساس عمیق شهروندی و آمادگی به ایثار و فداکاری است.

شاه پس از انجام سازشهای پس پرده، با افزایش شایسته شده ای که طی سلطنت تلخچسته خویش بارها از آنها استفاده کرده، علیه مبارزات مخالفان ضلوع رژیم، بمیدان آمد: برخی تغییرات بی اهمیت در نمایندگان حکومت ایجاد کرد، بدعوی بی محتوی و پاکسم معنوی در مورد رفتار نسبت به زندانیان و آزاد کردن آنان دست زد و سپس... با اصطلاح نمایندگان دروغین «اصناف» و کارگران را (که همه میدانند غیر از جیره خواران سلواک کسان دیگری نیستند) برای نشان دادن آنکه گویا افکار عمومی اکثریت جامعه بسود رژیم غارت و جنایت اوست، به عرض اندام واداشت و چاقو کشها و چاقو داران را بچنان مردم بی سلاح و پنهانی که جز سخن حق وسیله ای برای دفاع از خود ندارند (مانند حادثه تنگین کاروانسرای سنگی و ضرب و شتم عده کثیری از مخالفان رژیم) کشیدند.

این اسلوبهای «تازه» شاه، که موافق الگوهای شناخته شده در کشورهای سرمایه داری انجام میگردد، احدی را در جهان قریب نمیبهد. حتی مطبوعات بورژوازی مانند «هرالد تریبون» از «اجام و ابوابی» که شاه بچنان مردم انداخته است سخت گشت. و اما در خود ایران مطلب بر همه روشن است. شاه قانع نیست دامن پاک طبقه شریف کارگر ایرانی را با این تقلب های رسوا آلوده و لکه دار کند. اصناف ایرانی نیز با بقیه تشره های جلعه سر جنگ و سبزه نازند. کسانی که در رادیو و تلویزیون ایران نعره میکشند، همان «باند سیاه» شناخته شده ای هستند که شاه از دوران حکومت ملی دگر مصطفی تاکنون از آنها علیه مردم و آرمانهای مردم استفاده میکند. شاه پرورنده شعبان بی مخ هاست و این خقیقت در تاریخ ثبت است و شاه هر تلافی که بکند نمی تواند خود را از این واقعیت سر سخت خلاص کند. همین چندی پیش بود که روزنامه های فرانسه از مبروافات اشرف خواهر توأمان شاه بایکسی از سرگردان مافیای امریکا پرده برداشتند. جباران تاریخ هرگز در استفاده از این وسایل دچار سرزنش و جدان نبوده اند!

اما اکنون وضع از جهت مبارزات مردم چگونگی است؟ آنچه که مسلم است شرایط داخلی و خارجی دنباله در صفحه ۲

رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه در دوران اخیر ج. و مرجع اقتصادی حادثی شد که در پدیده تند تورم و افزایش سریع قیمت ها، هرچند مرجع بنده ها، کمبود کارشناسان و کارگران ماهر، زبان بخش عدم تامین انرژی برق و آب برای صنعتی و مسکن، قرار دائمی و گسترده ها از کشور، برهم خوردن باز هم بیشتر تناسب نرات و واردات و تشدید باز هم فاحش تر این سب، هرچند مرجع شدید در کشاورزی، مشکلات امر مسکن، آموزش و درمان و غیره و غیره کرده است. این آشفتگی حادث اقتصادی از ناگزیر و شوم سیاست ضد ملی و ضد خلقی عرصه اقتصادی، یعنی سیاست میدان دادن گری امپریالیستی و باز گذارن دست تلراجران عم از سرمایه داران بزرگ بورکراتیک و سرمایه زمینداران بزرگ خصوصی وابسته به امپریالیسم س آنها خاندان پهلوی است.

ایران اکنون یکی از بزرگترین خریداران کالاهاهی کشاورزی و یکی از وارد کنندگان لاهای مصرفی از کشور های امپریالیستی در ویل دلار های نفتی است. مهم ترین ثروت ایران نه ترین شکل در پای دشمنان ستی ترقی و و آزادی میهن ماریخته میشود.

سیاست ضد خلقی و ضد ملی رژیم در زمینه، موجب تشدید بیشتر عدم رضایت توده های حتی مجال معنی از طبقات حاکمه شده است. س و بویژه امپریالیسم امریکا از مشکلات و سیاسی رژیم و تزلزل دیکتاتوری محمد رضا رای بستم آوردن امتیازات راهبرانه باز هم بود جست. شاه که برای حفظ تاج و تخت ی بارها گفته است حاضر است سراسر کشور

بر زمین سوخته بدل کند، از هیچ تسلیمی که ای حفظ موجودیت حاکمیت خود ضرور بشمرد، با ندارد. این واقعیتی است که شاه در زندگی سلطنت مستبد خویش بارها نشان داده است. نیز شاه در کاخ سفید و کاخ کبود واشنگتن ل کارتر و در برابر نمایندگان انحصار های ن، حد اعلا امتیاز را در زمینه های مختلف نفت، اسلحه، خرید کالا، سیاست تشنج و کالاتر باشد، بدون دغدغه از شلتنز (حقوق بشر، جیمی کارتر، سگان هار خوش را یکبار دیگر

مردمی که از خیانت ها و جنایت ها جانناش نبیده است، کیش بدهد. شاه نه فقط در خارج، ل کشور نیز با برخی قشر های با نفوذ سرمایه خصوصی وابسته به امپریالیسم (که خواهان سهم در قدرت هستند) وارد بند و بست شد تا از داخلی خود جلوگیری کند.

چنانکه میدانیم آشفتگی اقتصادی و تزلزل رژیم در دوران اخیر، دامنه مبارزات قشر های مردم را گسترش داد: انتصابات کارخانه ها لت، دهکدهای مختلف دانشجوی روحانی، روشنفکر صه مبارزه گردید. حتی در ارتش میهن پرستانی خود را بلند کردند. پس از مبارزات و حوادثی استانه برخی اصلاحات و از آنجمله اصلاحات رژیم، وی را باین عقب نشینی ها وادار کرده طی سالیان اخیر، چنین مبارزاتی با چنین ی دیده نشده و حتی میتوان گفت مبارزات اخیر میبهد که روند انقلابی در جامعه ما بیش از پیش واند و غنق، فزونی کسب کرده است. این

بنا دیگر به جنبش ملی کردن صنایع نفت بهتان میزنند

«قطعه عظمی در تاریخ ایران و بلکه تاریخ جهان بود» (متن این نطق در روزنامه «اطلاعات»، شماره شنبه ۲۴ آبان ۱۳۵۶، درج شده است.)

به اظهارات فلاح از جانب عده ای پاسخ مقتضی داده شده است. جنعل و دروغ و ترعریف رای عدم صلاحیت دیوان داری لاهه آشکار است. در این نوشته فرصت و امکان پرداختن به توضیح مسائل تاریخی جنبش ملی شدن نفت نیست. در این باره همین قدر کافی است مونکترا یادآور شویم:

دنباله در صفحه ۲

شرکت نفت انگلیس هم اصل ملی شدن را برسمیت شناخته بود. گویا، درای دیوان داری به عدم صلاحیت خود ایران را ۲۰ سال عقب برده و نظریات لاطاللات. باین مقدمه فلاح نتیجه میگیرد که «با اعتقاد او» دولت مصدق «بزرگترین خیانت را به این مملکت مرتکب شده، نهایت اینکه جناب فلاح نطق خود را در کلوب روتاری با تعریف و تمجید از انعقاد قرار داد فروش نفت به کنسرسیوم در ۹ مرداد ۱۳۵۲ خاتمه داده و مدعی شده است که گویا با آن قرارداد صنعت نفت ایران از دست کنسرسیوم خارج شده و نهم مرداد ۱۳۵۲

جنبش دموکراتیک ۲۱ آذر

جنبش ۲۱ آذر بهایه ادامه جنبش مشروطه و جنبش دموکراتیک خیابانی، یکی از درخشانترین صفحات تاریخ جنبش انقلابی خلق آذربایجان است. با پیروزی آن یکرشته از خواستها و آرزوهای مردم تحقق پذیرفت، آزادیهای مصرح در قانون اساسی که بدست رضا شاه مدفون شده بود احیاء گردید و در سراسر ایران میدان مبارزه توده های زحمتکش گسترش یافت.

گردانندگان رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران پیوسته به تحریف حقایق تاریخی می پردازند و از هر فرصتی برای ایراد اتهامات بیشمارانه به جنبشهای دموکراتیک و استقلال طلبانه میهن ماستفاده میکنند، بویژه هر سال در آستانه ۲۱ آذر به تبلیغات زهر آگین دامنه دار دست میزنند. هوشنگ افشاری عامل سیا و یکی از مهرهای مؤثر رژیم میگوید (روزنامه کیهان شماره ۱۰۳۲۸): «۳۰ سال پیش یا ۳۱ سال پیش در ایران آزادی تا حد بی بند و باری و هرج و مرج وجود داشت. در آن زمان در بسیاری از دموکراسیهای غربی بعضی افکار سیاسی و تشکیلات خاص سیاسی قانوناً با علامت منع بود و در بعضی از آنها هزاران کتاب رسماً در لیست کتابهای ممنوع قرار داشت. دهها نویسنده حتی انتشار آثار خود را نداشتند، نزدیک به یکصد نویسنده برجسته غربی به حال تبعید اجباری در دیگر کشورها به سر میبردند... هیچک از ممنوعیتها و محدودیتهای مورد بحث در ایران وجود نداشت... آن فضای سیاسی با همه آزادیهای ظاهریش بکجا منجر شد؟ مسئله آذربایجان پیش آمد یعنی توطئه برای تجزیه مملکت... این ادعای انصاریست. اما واقعیت اینست که ۳۲ سال پیش پس از آنکه زیر ضربات ارتش قهرمان شوروی، فاشیسم هیتلری تار و مار شد و میلیتاریسم شکست خورد، در نتیجه اعتلاء جنبش کارگری و دموکراتیک در سراسر جهان، آن محدودیتها و ممنوعیتها که فاشیسمها بر مردم تحمیل کرده بودند از میان برخاست و مبارزه خلقهای کشورهای مستعمره و وابسته برای کسب آزادی و استقلال گسترش یافت.

اما در آن زمان ارتجاع ایران علیه جنبش کارگری و دموکراتیک به حمله آغاز کرده بود. مردم ایران سر دو راهی قرار داشتند: یا باید تسلیم دیکتاتوری شوند و یا علیه آن بجایزه برخیزند. نیرو های ملی و دموکراتیک را دوم را برگزیدند. جریان تاریخ یکبار دیگر مانند دوران انقلاب مشروطه، آذربایجان را به تکیه گاه نیرو های ملی و دموکراتیک ایران تبدیل ساخت. فرقه دموکرات آذربایجان، که در شهریور ۱۳۲۴ تأسیس یافته بود، در آذربایجان رهبری جنبش دموکراتیک را بدست گرفت. فرقه دموکرات آذربایجان بر وفق قانون اساسی انتخاب انجمنهای ایالتی و ولایتی را خواستار شد. اما از آنجا که هیئت حاکمه مرتجع خواستهای قانونی مردم را نادیده گرفت و خواست بزرز اسلحه جنبش را سرکوب کند، خلق آذربایجان سلاح در دست، تشکیل حکومت ملی و دموکراتیک خود را طلبیدند و جنبش ۲۱ آذر این خواست مردم را با موفقیت تحقق بخشید.

ماهیت جنبش ۲۱ آذر را نیرو های محرك آن، اقدامات حکومت ملی و همچنین کیفیت دوستان و دشمنان جنبش بخوبی روشن میسازد: شرکت کنندگان جنبش ۲۱ آذر بطور عمده از کارگران، دهقانان، روشنفکران آزادخواه و قشر های وسیع پیشه وران

دنباله در صفحه ۲

توطئه شاه و قابوس

در حالیکه خبر گورابه های جهالت از پیشرفت مذاکرات منده لونیج - وارنکه نمایندگان دو کشور شوروی و امریکا در شهر «برن» «سوئیس» (راجع به محدود کردن فعالیت نظامی طرفین در اقیانوس هند) خبر میدهند، شاه در سفر خود به عمان، بدنبال نقشه های سابق، با قابوس توطئه جدیدی در جهت تشنج قزاقی و علیه صالح منطقه میچیند.

ایران در عمان بنابه اطلاع مطبوعات خارجی یک تنب کامل ارتش (که البته دارای جنبه سمبولیک است) تگه میدارد، این تنب تر آغاز بعنوان سرکوب «صد نفر پا برهنه» (بنابه اصطلاح فصیح شاهانه) وارد کشور عمان شده است و در این کار با نیروهای اشغالگر انگلیسی در این کشور همکاری کرد، ولی اینک خود وسیله ایست برای تأمین حضور و دخالت نظامی ایران و تهدید دائمی جمهوری دموکراتیک یمن. روزنامه «کویت» (السیمه) که اخیراً با نخست وزیر جمهوری دموکراتیک یمن جنوبی مصاحبه کرده، از قول وی نوشت که نیروهای خارجی ایران و انگلیس هنوز در عمان مانده اند نه تنها برای ما، بلکه برای صلح و آرامش در منطقه ایجاد خطر میکنند. نخست وزیر یمن خروج نیروهای ایرانی و انگلیسی و انحلال پایگاههای نظامی را خواستار شد.

ولی علاوه بر آنکه در مذاکرات سه روزه شاه و قابوس در عمان تصمیمی در باره خروج نیروهای ایران اتخاذ نگردید، بلکه زمینه سرهم بندی ائتلاف ارتجاعی تازه ای نیز چیده شد. روزنامه مطلع «هرالد تریبون» تر شماره ۹ دسامبر ۱۹۷۷ خود می نویسد: «شاه محمد رضا پهلوی پس از مذاکره در باره تشکیل یک اتحاد برای امنیت منطقه نفت خیز خلیج با سلطان سعید بن قابوس برای تهران مراجعت کرد. «این روزنامه تصریح میکند که بجز اعلامیه های درباره گسترش روابط اقتصادی، درباره اصل مذاکراتی که انجام گرفته اعلامیه های نشر نیافت. کوشش اخیر شاه بدنبال تلافی مکرر گذشته او برای ایجاد یک بلوک ارتجاعی بسود امپریالیسم در منطقه است، که تحت عنوان دروغین «حفظ امنیت خلیج فارس» استوار شود. این بلوکاز سلطان قابوس که شاه وسایل بیشتری برای یافتن «زبان مشترک» با او دارد، آغاز شده است. هدف شاه آنست که برای مذاکلات آتی نظامی خود در منطقه پایه و توجیه «قانونی» ایجاد کند.

سفر سه روزه شاه به عمان و گفتگو بر سر ایجاد اتحاد جدید باصطلاح برای امنیت خلیج، همراه است با فعالیت دیگری که دولت ایران باز هم در جهت اخلال امنیت منطقه و این بار در مؤثر سومالی میکند. روزنامه پراودا در تاریخ ۱۳ دسامبر در این باره چنین نوشت: «علاوه بر بریتانیا سعودی ایران نیز موقعیت خود را در کشور سومالی تحکیم میبخشد. چنانکه روزنامه «نایروبی تایمز» اطلاع میدهد، در دوران دیدار شاه از واشنگتن و پاریس، مسئله کمک نظامی به سومالی موضوع عمده صحبت بوده است. «این واقعات ایفاء نقش ژاندارم شاه را در عمل نشان میدهند. اسرائیل در سمت غربی و ایران در سمت شرقی منطقه خاور میانه بسود انحصارهای چند ملیتی امپریالیستی هر یک سخت مشغول عملند، عملی که ضد صلح و امنیت و استقلال خلقهای این منطقه و یک ماجراجویی کامل سیاسی است و در طول مدت میتواند عوارض نامطلوبی ایجاد کند.

بار دیگر بجیش ملی کردن

اولاً : فلاح رای ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۲ دیوان لاهه، مبنی بر عدم صلاحیت برای رسیدگی به شکایت انگلستان از ایران را که بسود ایران بوده، تحت علامت سوال قرار میدهد و نه قرار موقت صادره این دیوان در ۲۵ ژوئیه ۱۹۵۱ را. قرار اخیر مقرر میباشند دولت ایران هیچگونه اقدامی که منجر به تغییر اوضاع بشود، کمیته نفت انگلیس و ایران شود بعمل نیاورد. چنانکه میدانیم دولت ملی مصدق در همان موقع اعلام داشت که دیوان لاهه را برای رسیدگی به مسئله ملی کردن نفت که يك امر داخلی است، صلاح نمیشد و با مال قرار موقت صادره را کان لم یکن میدانند.

ثانیاً : بزم آفتاب فلاح این دولت مصدق نبود که این دولت انگلستان، ارباب آنروز و امروز اقلی فلاح بود که ابتدا رای موقت دیوان لاهه را مستمسک دخالت در امور داخلی ایران قرار داد، سپس وقتی تلاش مذبحخانه آن به نتیجه نرسید بر اساس همان رای موقت در ۲۸ سپتامبر ۱۹۵۱ مسئله نفت ایران را به شورای امنیت کشانید. همه این تلاشها حاکی از آن بود که انگلستان، چنانکه فلاح ادعا میکند، نه فقط خود اصل ملی شدن را برسمیت نمی شناخت، بلکه مجامع بین المللی را نیز در جهت امتناع از شناسایی این اصل تحریک و ترغیب مینمود.

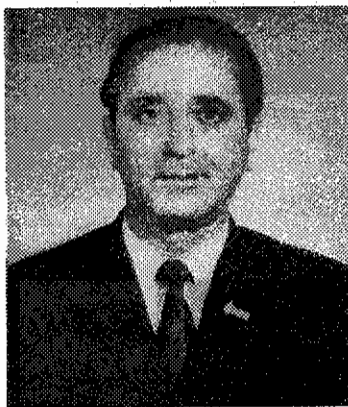
لیکن پیداری دولت ملی مصدق، و مبارزه مؤثر آن در زمینه های حقوقی نفت ایران، گذشته از عقیم گذاشتن عطفه های انگلستان در شورای امنیت سازمان ملل، به بصورتی عدم صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری لاهه در ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۲ انجامید. صدور این رای پیروزی بزرگی برای ایران بود. به استناد همین رای عدم صلاحیت بود که بوطقه دولت انگلستان در سازمان ملل متوقف و شورای امنیت نیز بسود ایران خنثی گردید. دبیر کل سازمان ملل در ۱۹ اوت ۱۹۵۲ با اعلام مراتب در شورای امنیت سازمان ملل قرار موقت صادره ۵ ژوئیه ۱۹۵۱ دیوان لاهه را نیز از درجه اعتبار ساقط اعلام کرد.

کلیه این مطالب تلخیصی روشن و قطعی فلاح خود بهتر از هر کس دیگری به این چرین وارد است. او اگر در مقام یک تاریخ نویسنده میخواست تاریخ ملی شدن نفت ایران را ورق بزند، جز تأیید این حقایق و کشف نقایص براین امر که نه دولت ملی مصدق، بلکه عاملان کودتای ۲۸ مرداد بزرگترین خیانت را به ملت ایران مرتکب شدند چاره ای نداشت. این امپریالیسم امریکا و انگلیس، «سیا»، «اینتلیجنس سرویس» بود که با کودتای شایه - زاهدی ایران را به عقب برگرداند و نه جنبش ملی شدن نفت و دولت ملی مصدق. اما مطلب در آنست که فلاح تاریخ نویسنده و مشاهده گر بیطرف نیست. او خود از بازگشتن و مهره های اصلی خیانت به منافع مردم ایران در نفت است. فلاح نو کبر دو ارباب است و از همین دید به مسائل نفت ایران نگریسته و می نگرد.

فلاح بخیره خوار شرکت غاصب سابق نفت است و به همین جهت وظیفه خود میدانند امروز که بیش از یک قرن از ملی شدن نفت ایران میگذرد، مخالفت عتودانه امپریالیسم انگلیس را علیه جنبش ملی شدن نفت بفراوانی بسپارد و مدعی شناسایی اصول ملی شدن نفت از جانب آن گردد. بدینوسیله فلاح میخواهد گناه امپریالیسم انگلیس را در مخالفت عتودانه با ملی شدن نفت به گردن مصدق و پایداری او در طرد این امپریالیسم غارتگر از نفت ایران بیندازد. اما فلاح امروز جیره خوار کسریوم، بین المللی نفت است که سهام عمده آن را اعضاء امریکائی و انگلیسی کارتل در اختیار دارند. چنین شخصی باید از انعقاد قرارداد فروش نفت به کسریوم دفاع کند، قراردادی که مانع از استیفای واقعی حقوق ایران در نفت است. طبق این قرارداد، ۳ میلیارد بشکه از ذخایر نفت ایران به مدت ۲۰ سال، یعنی تا سال ۱۹۹۴ که سال پایان امتیازنامه های تنکین ۱۹۳۳ قرارداد تحمیلی ۱۳۳۴ است، به اعضاء کارتل پیش فروش شده است.

فلاح از مهره های اصلی و بلرنگ صحنه است. مورخین - کیش، در تدارک و تحمیل قرارداد فروش نفت است که علیرغم تمایل عمومی مردم ایران دائر به اجتناب واقعی قانون ملی شدن نفت در سال ۱۳۵۲ با اجزاء درآمد. این قرارداد تنکین امروز به عنوان نسخه بدل همان قرارداد اسارت بار اولیه کسریوم انشاء شده و افکار عمومی

در گذشت



با نهایت تأسف اعلام می یابیم که میر رحیم ولایتی عضو فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان - یکی از مبارزان فعال جنبش رهایی بخش خلقهای ایران، روزنامه نویس و پژوهشگر با استعداد در سن ۶۱ سالگی در گذشت.

میر رحیم ولایتی از دوران جوانی بصوفی مبارزان پیوست. سال ۱۳۱۶ خلیس رضا شاه او را با تمام تبلیغ مرام کمونیستی مستگیر و در زندان قصر قاجار زندانی کرد. شرایط طاقت فرسای زندان و شکنجه های پلیس نتوانست در اراده محکم وی نفوذ کند و او به مثابه مبارز آتش ناپذیر به پایداری خود ادامه داد. سال ۱۳۲۰ با سقوط دیکتاتوری رضا شاه و گسترش مبارزه خلقهای ایران میر رحیم ولایتی از زندان آزاد و با عضویت در حزب توده ایران به مبارزه و زندگی سیاسی خود قدرت تشکل، معنی و مفهوم تازه ای افزود. او بعداً عضویت کمیته ایالتی و هیئت رئیسه آن و به نمایندگی کنگره یکم حزب توده ایران انتخاب و در پیشبرد خواسته های سازمان و ایده ها و اصول حزب با تمام نیروی خود کوشا بود. در سال ۱۳۲۴ داخل صفوف فرقه شده و یکی از مؤسسين فرقه و حکومت ملی آذربایجان بود. او همچنین به نمایندگی مجلس ملی آذربایجان و دبیری هیئت رئیسه مجلس ملی آذربایجان انتخاب شد. در همین حال به معاونت صدر کمیته شهری (شهر تبریز) فرقه دمکرات آذربایجان انتخاب و فعالیت پر ثمری داشت. شرکت فعالانه میر رحیم ولایتی در جنبش دمکراتیک آذربایجان و زحمات وی با مدال ۲۱ آذر و نشان «ستارخان» تقدیر شد. رفیق ولایتی از سال ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۳۰ مدیر روزنامه «آذربایجان» در سالهای ۱۳۳۲ - ۱۳۳۶ عضو کمیته مرکزی و هیئت اجرایی کمیته مرکزی و مدیر شعبه تبلیغات مرکزی و ملی سالهای ۱۳۳۶ - ۱۳۳۸ معاون صدر کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان بوده است.

کوششهای انقلابی و خدمت رفیق مبارز ولایتی و خاطره عزیز او هرگز فراموش نخواهد شد.

بهرستی و بحق افق قوی آن را می طلبد. در این شرایط البته باید فلاح گام به پیش بگذارد و خیانت خود را خدمت قلمداد و قرارداد امتیازی فروش نفت را «قطعه عطف» در تاریخ ایران و بلکه تاریخ جهان بنهد. نکته پیداست که ضرورت سخنرانی فلاح در کلوب (روترلی) از کجا پیدا شده و چرا بویژه لحظه حاضر برای حمله به جنبش ملی شدن نفت و دکتر محمد مصدق - قهرمان شناخته شده نفت ایران انتخاب گردیده است. مبارزات دمکراتیک مردم ایران که هدفهای ملی و مترقی آن علیه امپریالیسم و ارتجاع دست نشاندگان آن بر کسی پوشیده نیست، اوج میگیرد. این جریان امپریالیسم و کارتل غارتگر نفت را نسبت به حفظ مواضع غارتگرانه خود در نفت ایران نگران ساخته و میسازد. از دست دادن مواضع غارتگرانه در نفت ایران آجتان خطر مالی و سیاسی نیست که امپریالیسم و کارتل در برابر آن تاب و توان سکوت داشته باشد.

تلق فلاح در کلوب روترلی و تجدید بهتان زدن به مصدق و جنبش ملی کردن نفت، که از موضوعات مورد علاقه شاه است، بیش از آمد تجهیز مرتجعین وابسته ترین عوامل امپریالیسم علیه جنبش دمکراتیک

یکار با استبداد وارد گستره...

برای شاهمانند گذشته مساعد نیست؛ ذخیره عوامفریبها و دروغه های، اعلیحضرتی و مهره بازی با اشخاص و سازمانها فروکش کرده است. در جهان امروز رژیم فاشیست مآب سلطنتی استبدادی ایران و صله ناجوری است که حتی کسانی مانند آژوف وزیر خارجه انگلیس (البته بقصد عوامفریبی و بویژه به منظور دشاتناژ و گرفتن دلار های نفتی) از آن در پرده انتقاد میکنند. اقدامات تضييعی نیز برای ارباب مردم اثر خود را بیشتر از گذشته از دست داده و میدهد و امکانات خود شاه در کاربرد این اقدامات تضييعی محدودتر میشود. همه اینها شرایط را برای بسط مبارزه مردم ضد استبداد مساعد میکند. البته مبارزه با دیو آدمخواری مانند رژیم استبدادی کنونی ایران، بنا بر واقعیت و تجربیات، کار آسانی نیست. ولی مردم ایران بنویه خود نشان داده اند که از عهده مقابله با این وظیفه دشوار بر می آیند. توده مردم جوهر انقلابی خود را بارها به ثبوت رسانده اند.

اما مبارزه نباید موافق حساب و کتاب باشد. بدون وحدت عمل همه نیروهای ضد دیکتاتوری، بدون ارائه برنامه مشخصی که بتواند طبقات و قشرهای مختلف مردم را به مبارزه جلب کند و با آنها نشان بدهد که مخالفان رژیم کنونی خواستار چگونه تحولی هستند، بدون پیدایش آملن توده های خلق، این مبارزه نمیتواند بیک مبارزه وسیع و واقعا انقلابی و تقریبش بدل شود. ممکن است کسانی باشند که به برخی خرده اختلافاتی، که بین شاه و برخی کشورهای امپریالیستی پدید میشود پریها بدهند، و دچار خیالات و پند ارباهی باطل شوند. ولی همین حوادث ماههای اخیر نشان داد که شاه مانند آب میمون افسانه ایست که اگر احساس کند کف داغ حمام او را میسوزاند، کودکش را نیز زیر پایانه روی آن میشیند. این موجود از آن زندگانی که در مصاحبه با «آرناپانا لاجی» روزنامه نگار ایتالیایی، آنرا به مثابه «ژولی طلایی» وصف کرده، ذلت بردار نیست و دستگاه عظیم تضييعی پلیس و ساواک و نیروهای مسلح و ثروت بیکران و دستگاههای وسیع تبلیغاتی مطبوعات، رادیو، تلویزیون و سیاه انبوهی چاکران رذل در اختیار دارد. تجربه همچنین نشان داده است که کشورهای امپریالیستی حرفی نمیخواهند که مجبور شود به آنها بیشتر بپردازد و «حقوق بشر» در نزد این سوارگران مرگ حرفی یاره است که تقطیع می تواند وسیله شناختن اقرار گیرد و غیره. لذا در مقابل نیروی استبداد باید نیروی توانای خلق بیدار شود. تاریخ، بردبر و هاست.

لذا این اهمیت دارد که ما مبارزان رژیم دیکتاتوری که چه میخواهیم و از چه راه میخواهیم به هدفهای خود برسیم. اسناد متعددی که در ماههای اخیر نشر یافته، نشانه درجه شایع بخشی از نضج تفکر سیاسی در کشور است. اگر شمارهای تفرقه انداز آنتی کمونیستی حرفه ای را به کنار بگذاریم، اگر در جرگه دوستانه ای برای تعیین برنامه و تاکتیک مبارزه گرد آیم و اگر برادر را با همه دشواریهای آن بر اساس ترکیب جسارت و بصارت با عناد و سرسختی و تراشاکل درست آن ادامه دهیم، میتوانیم بکایوس سیاه استبداد خاتمه بخشیم. چنانکه گفتیم امروز شرایط برای نیل باین هدف از همیشه مساعد تر است.

حزب توده ایران سالیان دراز است که این سخنان را تکرار میکند. کمتر کسی است که در جریان مبارزه سیاسی وارد و از این موضع سیاسی حزب مای خیر مانده باشد. ولی تفرقه افکنانی که میخواهند پندار و امید مبارزان را متوجه قیله های امپریالیستی کنند، با افشاندن زهر ضد توده های مانع میشوند که این صدای حقیقت و خرد، سرانجام به پیدایش وحدت عمل مخالفان رژیم در مقیاس وسیع منجر شود. این تفرقه افکنی خواه آگاهانه باشد یا نه، بطور حینی بسود دشمن مشترک تمام میشود.

ما اطمینان داریم که سیر امور در آینده بیش از گذشته صحت و ضرورت و مبرمیت مشی سیاسی روبه اعتلا در کشور ماست. پاسخ منطقی و طبیعی این نقطه می تواند تجمع و اتحاد کلیه نیروهای باشد که نه فقط از دست آوردهای جنبش ملی شدن نفت صمیمانه و با قطعیّت مدافعه میکنند، بلکه طرد تسلط غارتگرانه امپریالیسم از منابع ثروت ایران را از نهادهای اساسی و اصلی جنبش دمکراتیک مردم ایران در لحظه کنونی بشمار می آورند.

م. جهان

جنبش دمکراتیک ۲۱ آذر

بودند، بخشی از بورژوازی ملی و مالکان کوچک نیز در آن شرکت داشتند. حکومت ملی آذ در عرض یکسال با وجود وضع فلاکتباری حکومت ۲۴ ساله سلسله پهلوی به اثر رسید علیرغم خرابکاریها و کارشکنیهای هیئت حاکما، تهران، اقدامات مهم و دامنه داری بسود خلق آورد؛ تصویب و اجرای قانون مترقی بیمه، برقراری نظارت کارگران در مؤسسات تولیدی، برابری حقوق زنان و مردان، تقسیم رایگان خالصه و املاک قیودالهی خاکن میان دهقانان، بکار انداختن مؤسسات صنعتی و تأسیس کارخانه جدید، مبارزه با احتکار، تقلیل مالیاتهای غیر بسود مردم، زخمکش، تأسیس بانک آذربایجان، فلاحت و شرکت ماشینی آبیاری و کشاورزی، کمک به دهقانان، تأسیس دانشگاه تبریز، تم زبان مادری در مدارس، تأسیس رادیوی تبریز، چاپ تأثیر دولتی، آرکستر ملی و قیلامرونی آذربایجان، تأسیس پلی کلینیک ها، بیمارستانها و درمانگاه، تنظیم امور شهرداری و غیره. این اقدامات یعنی حق تعیین سرنوشت مردم آذربایجان در عیز استقلال و تمامیت ارضی ایران، آجیزی است گردانندگان رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک رأس آنها شاه، تجزیه مملکت می نماند.

جنبش دمکراتیک خلق آذربایجان از هم، مورد پشتیبانی جدی حزب توده ایران و دیگر نه تریخواه ایران و جهان قرار گرفت. اما دشمن جنبش، همان دشمنان همه خلقهای ایران، دریلان و در رأس آنها شاه، زمینداران و سرمایه بزرگ، امپریالیستها و در درجه اول امپریالیستهای و انگلیس بودند و هستند.

دشمنان خلقهای ایران، ارتجاع و امپریا توانستند جنبش دمکراتیک خلق آذربایجان را و سرکوب کنند، ولی تمام تضادهای که ۲۱ پیش جنبش ۲۱ آذربایجان را پدید آورد، امر وجود دارد و پیوسته حدت مییابد. رژیم دیکه محمد رضا شاه در برابر نیروی متحد خلقهای یاری مقاومت ندارد و مبارزه مردم ایران در راه و استقلال میهن پیروز است.

ح. فروردین

حزب ما یعنی برانداختن دیکتاتوری و استقرار دمک از طریق وحدت عمل و تشدید مبارزه همه مخالفان رژیم را ثابت خواهد کرد، ولی روشن است که حقیقت هر چه زودتر درک شود، برای پیشرفت بهتر است و امید بزرگی را در دلهای پیدار خواهد و بر شور مبارزه خواهد افزود.

مردم ایران از مقاومت دلیرانه فرزندان خود در برابر غول دیکتاتوری خرسندند و آرزو که این مبارزات با سرسختی، هوشیاری، پیگری و در مقیاسی معین وسیع تر تا نیل به مقصود یابد.

حزب توده ایران مانند همیشه، نه فقط از مبارزه با استبداد ثابت قدم و سخت کوش است بلکه از مبارزه همه نیروهای دیگر علیه آن، آنکه دارای کدام جهان بینی سیاسی یا مذهبی، حمایت کرده است و خواهد کرد و هر آینده برای وحدت عمل همه نیروهای ضد استبداد با تمام ابتکار خود تلاش خواهد نمود. ما برای برنامه عمل مشترکی به منظور استقرار دمکرات ایران با همه نیروهای رژیم آماده ایم و هر چه مبارزه مردم ایران را در این راه بهر اندازه باشد، میگوئیم و آنرا مورد پشتیبانی معنوی و عملی قرار می

منتشر شد:

ترجمه فارسی تاریخ نوین ایران نوش یروفسور ایوانف در قطع بزرگ.

آشناگی های آموزشی در ایران از ۱۰ ه. فروزان.